

موارد قیاسی وجوب حذف عامل مفعول مطلق

در الفیه به صورت مفصل در ابیات ۷ تا ۱۲ بحث «مفعول مطلق» خواهید خواند:

و الحذفُ حتمٌ معَ آتٍ بدلاً	مِنْ فعلِهِ كـ«نَدَلًا» اللَّذْ كـ«اندُلًا»
و ما لتفصیلِ كـ«إِماً منّا»	عاملُهُ يُحذفُ حَيْثُ عَنّا
كذا مُكرَّرٌ و ذو حصرٍ و ردّ	نائبَ فعلٍ لاسمٍ عَيْنٍ اسْتَدَدَ
و مِنْهُ ما يَدعوهُ مؤكِّداً	لِنَفْسِهِ أَوْ غَيْرِهِ؛ فَالْمُبْتَدَأُ ...
نحوُ «لَهُ عَلَيَّ أَلْفٌ عُرْفاً»	و الثَّانِ كـ«ابْنِي أَنْتَ حَقّاً صِرْفاً»
كذا ك ذو التَّشْبِيهِ بعدَ جملَةٍ	كـ«لِي بُكَيٌّ بُكاءَ ذَاتِ عُضْلَةٍ»

اما آنچه صمدیه در این باره آورده با توضیحات مرحوم مدرس در «الكلام المفید، ۱۰۲ تا ۱۰۴» به شرح ذیل است:

و يجبُ حذفُ عامله

۱. سَماعاً في نحو سَقياً و رَعياً

۲. و قیاساً في نحو

۱. ﴿فَشُدُّوا الوثاقَ فَاَماَ مِنْنا بَعْدُ و اِماَ فِداءٍ﴾

تقدير: فَاَماَ تَمُنُّونَ بَعْدَهُ و اِماَ تَفْدُونَ.

کلام مفید: فی موضع وقع فيه المفعول المطلق تفصيلاً لعاقبه مضمون ما قبله ای الغرض منه (غرض عطف بیان است از عاقبت).

نکته: آیه ﴿إِنّا هَدیناهُ السَّبیلَ اِماَ شاکِراً و اِماَ کُفُوراً﴾ مشتمل بر حال است نه مفعول مطلق.

۲. و لَهُ عَلَيَّ أَلْفٌ دِرْهَمٍ اعترافاً

له عَلَيَّ: لام نفعیه و علی ضرریه.

کلام مفید: بعد جملۀ هی نصّ فی معناه لا مُحْتَمَلٌ سِوَاهُ؛ لذا قالوا: إقرارُ العقلاءِ علی انفسهم جائزٌ (نافذ).

الان جمله قبل از «اعترافاً» دقیقاً متن اعتراف است و احتمال خلاف هم عرفاً در آن نیست
به دلیل همان قاعده فقهی مذکور.

۳. و زید قائم حقاً

کلام مفید: بعد جمله لمضمونها مُحْتَمَلٌ غَيْرُهُ ... لأنها خبرٌ و كل خبرٍ يَحْتَمِلُ الصدق و
الكذب.

۴. و ما أنت إلا سيراً و إنما أنت سيراً

کلام مفید: فی موضع وقع فيه المفعول المطلق محصوراً فيه حال كون العامل فيه [مثل
«تسیر»] خبراً عن مبتدأ [مثل «أنت»] لا يمكن جعل المصدر خبراً عنه لكونه ذاتاً.
یعنی اولاً باید این مصدر، محصورٌ فيه باشد و ثانیاً مبتدا اسم ذات باشد تا این مصدر
نتواند خبر از آن واقع شود چون صحیح نیست که گفته شود «انت سیر» [مگر در مقام
مبالغه و برای کسی که دائماً در سیر و سفر است].
لذا مثال ذیل شرائط را ندارد: إنما سیری سیرٌ سریعٌ.

۵. و زید سيراً سيراً

کلام مفید: فی موضع وقع فيه المفعول المطلق مُكْرَرًا و عامله [مثل «تسیر»] خبرٌ عن
المبتدأ [مثل «زید»] لا يمكن جعل المصدر خبراً عنه لكونه ذاتاً.
زید ذات است و حدث نمی تواند خبر از آن دهد. اما شرط این فرض تکرار مفعول
مطلق است.

سؤال: در صورت عدم تکرار مفعول مطلق چه می شود؟ آیا حذف عامل جائز است؟
زید سیراً؟

جواب: خیر چرا که حذف سماعی موارد خاصی داشت که سیراً جزء آنها نبود. فقط در
مثل سقیاً و رعیاً جواز حذف داریم.

۶. و مررت به فإذا له صوتٌ صوتٌ حمارٍ [أی: یصوت]

کلام مفید: حذف در این مورد، چهار شرط دارد:

۱. مفعول مطلق بعد از جمله بیاید، به خلاف «صوته صوتٌ حمارٍ» ولی «صوتٌ حمارٍ»
در مثال فوق بعد از جمله «له صوتٌ» آمده.

۲. در جمله ما قبل، اسمی هم معنای مفعول مطلق باشد (صوت)

۳. آن جمله مشتمل بر صاحب آن اسم هم معنای مفعول مطلق باشد (به، له)

۴. آن مصدر از افعال جوارحی باشد نه قلبی (علم، ظن و ...).

۷. و لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ.

کلام مفید: موضع وقوع المفعول المطلق مثنی مُضافاً.

لَبَّيْكَ = أَلْبَيْتُكَ إِبَاباً بَعْدَ إِبَابٍ = أَجَبْتُكَ إِبَابَةً بَعْدَ إِبَابَةٍ.

این مفعول مطلق عددی است نه تأکیدی.

قالب اصلی مثنی کذا+ کذا است ولی گاهی در قالب «کذا بعد کذا» هم می آید: ﴿ثُمَّ

ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ﴾.